**بسم الله الرحمن الرحیم**

**ترکستان شرقی و دو لبۀ اَنبُر آتشین**

**(ترجمه)**

ترکستان به‌دو بخش، ترکستان غربی و شرقی تقسیم می‌گردد که ترکستان غربی شامل آسیای میانه(قرغیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان و ترکمنستان) بوده و ترکستان شرقی تحت اشغال چین است. امروز چین وحشیانه‌ترین ظلم و و بزرگ‌ترین توهینی را که تاریخ در حق مسلمانان به‌‌خود دیده است، بر مسلمانان ترکستان شرقی، روا می‌دارد.

اسلام در قرن چهارم هجری وارد ترکستان شرقی گردید؛ به‌طوری‌که ساکنین آن بالغ بر دوصد هزار فامیل یعنی تقریباً یک میلیون تن، تحت رهبری رهبرشان، "استوک بغراخان خاقان" رئیس امپراتوری قراخانی به اسلام گرویدند.

"قراخانی‌ها" در پخش اسلام به ترکستان شرقی، نقش بارزی داشتند؛ زیرا توانستند قناعت بیش ‌از ده‌هزار خیمه‌نشین "قرغیزی" را فراهم کرده و ایشان را وارد اسلام کنند. شاخصۀ مهم قراخانی‌ها و قبایل "تغز" و "غر" سلجوقیان و عثمانیان، جهاد و دفاع‌شان علیه قبایل بُت‌پرستی بود که به مقابل دعوت اسلامی در ترکستان شرقی مانع ایجاد می‌نمودند. مشهورترین جنگ‌های سرنوشت‌ساز بین تُرک‌های مسلمان و غیرمسلمان، جنگ "طراز" بود. طراز نام شهری است که در سال 134هـ.ق مطابق 751م، فرماندۀ مسلمان "مسلم زیاد بن صالح" آن‌را فتح نمود؛ هرچند امپراتور چین، تُرک‌های غیر مسلمان را با لشکرهای بزرگی از اردوی چین یاری رسانده بود. از همان زمان می‌بینیم که امپراتور چین نتوانسته بود تنفر مضمر خود را در نشر و پخش اسلام در سرزمین ترکستان شرقی پنهان بدارد. در واقع کشتارجمعی مسلمانان، ظلم، هدف قرار دادن دین و اقتصادشان، کوچاندن اجباری و عدم درنظرداشت حقوق مسلمانان، از همان زمان سرچشمه گرفته است.

ترکستان شرقی تا سال 1174هـ.ق مطابق 1760م تحت اشغال چین قرار داشت و جنگ در بین دو گزینۀ انقلاب یا استقلال حتمی بود که در نهایت در سال 1946م ترکستان شرقی استقلال خود را به‌دست آورد؛ مگر پس از نابودی دولت اسلامی و تفوق کمونیزم، به نقطۀ صفر و یا حتی پائین‌تر از آن، تنزیل یافت.

در حالی‌که مسلمانان در اردوگاه‌های توهین‌آمیز و یا حواشی زندگی در چراگاه‌های حیوانات و مزارع ابتدائی خود زندگی می‌کنند، نظام کمونیستی چین چنان‌چه روزنامۀ "روز ملت" که در "پکینگ" چاپ می‌شود، گزارش داد، به‌تاریخ 2 دسمبر 1992م اقدام نموده است تا صدهزار تن چینی را از منطقۀ "سد سه راه‌رو" با تطبیق نقل 470 هزار تن به تدریج به این منطقه، منتقل نماید. چنان‌چه در بخش خاص ولایت "شینگیانگ" ترکستان شرقی این روزنامه آمده بود: «پس از آن‌که در سال 1950م تعداد مهاجران در سال، به 250 هزار تن می‌رسید، در سال 1960م این رقم به 350 هزار تن رسید. تطبیق این اسکان دادن، با اعطای معافیت کامل از مالیات به اضافۀ فراهم کردن مسکن و زمین به چینائی‌ها همراه است؛ البته خانه‌ و زمین‌های فوق از مسلمانان اویغور پس از آن‌که به قریه‌جات و زمین‌های خشک و بی‌آب و علف کوچانده شدند، مصادره شده است. حتی سه چهارم جمیعت "کاشغر" آب کافی در اختیار ندارند. اویغور، ارومچی، مراکز خرید و فروش در اختیار نداشته و به گدایان، دست‌فروشان و آشپزانی‌که در کوچه و بازار غذا می‌فروشند، تبدیل شدند.

چین به تاخت و تاز بر دین، فرهنگ و تاریخ مسلمانان اکتفاء نکرده؛ بلکه با انجام آزمایش‌های هسته‌ای‌اش که با انفجارهای هسته‌ای همراه است، محیط زیست مسلمانان را نیز تخریب نموده است؛ چنان‌چه منطقۀ "لوب" شاهد بر این مدعاست.

 سازمان عفو بین‌الملل در گزارش ماه اپریل سال 1999م خود تأکید داشت: «حکومت چین در استخدام کارگر، سیاست تبعیض نژادی را تعقیب می‌کند؛ چون اکثریت قاطع کارگران در چاه‌های نفت و سایر پروژه‌ها، چینی اند و عموم اویغورها یا مسلمانان، به کشاورزی اشتغال داشته و 80 درصد آن‌ها، زیر خط فقر زندگی می‌‌‌‌کنند.» تجربه‌های هسته‌ای تا سال 1980م علنی بود و پس از 1996م و اجرای 42 تجربۀ هسته‌ای و هایدروجنی، گمان می‌رود که متوقف شده باشد. نتایج تجارب آزمایش‌های هسته‌ای فوق، منجر به ازدیاد انتشار سرطان، سقط جنین و نقص عضو نوزادان شده است؛ هرچند که دولت چین می‌خواهد این موضوع را پنهان نموده و نتایج آن‌را توجیه کند.

گویا وسایل فوق برای گرفتن جان گروهی مسلمانان کافی نبوده است که مقام‌های چینی از طریق ترویج مخدرات و الکول می‌خواهند سلامت مسلمانان ترکستان را نیز سلب کنند؛ چنان‌چه در شهر "قرمای" بر مسلمانان اویغور شراب رایگان توزیع می‌گردد و چون دانش‌آموزان مسلمان می‌خواستند جوانان را از مخاطر و اضرار شراب آگاه ساخته و خواهان مسدود نمودن محلات توزیع آن شوند،‌ مقامات چینی با خشونت تمام، آن‌ها را سرکوب نمودند.

سرازیر شدن مهاجران چینی و ساخت شهرک‌‌های رهایشی برای شان، نه تنها باعث وخیم شدن وضع اقتصادی مسلمانان ترکستان شرقی شده است، بلکه منجر به اقدامات ظالمانه علیه مسلمین نیز شده است؛ بطور مثال: ممنوعیت آذان با صدای بلند، ازدواج مختلط بین مسلمانان و بودائیان و تحمیل تدریس تمام مواد درسی از صنف سوم مکاتب ابتدائی به زبان چینی.

پس از آن‌که دولت چین در بیرون کشیدن عقیدۀ اسلامی از قلب و فکر مسلمانان ناکام ماند، در پی آنست تا ایشان را به‌شکل تحقیرآمیز از صحنه منزوی، به‌طور جمعی آنان را از حقوق‌شان محروم، قتل عام و آثار اسلامی شهرها و مظاهر اسلامی افراد را محو نماید.

بناءً امروز بر مسلمین است تا از اوضاع مسلمانان اویغور، مردم را آگاه ساخته و افکار عمومی را برای فشار وارد کردن بر چین، بسیج نمایند و ما متیقن هستیم که هیچ‌گونه راه‌حلی برای مسلمانان اویغور و ما وجود ندارد؛ مگر از سرگیری زندگی اسلامی با تأسیس دولت خلافت بر منهج نبوت که پشتیبان تمام مسلمانان و ستم‌دیدگان جهان خواهد بود.

ای حکام چین! این را بدانید که خلافت راشده شما را در ازای ریختن هر قطره‌ای از خون مسلمانان، محاسبه خواهد نمود و جرایمی‌که علیه برادران و خواهران مسلمان اویغور ما مرتکب می‌شوید، از چشم جهانیان پنهان نمی‌ماند؛ زیرا ما رسوای تان نموده و آن‌ را در تمام جهان پوشش خواهیم داد و هشدارتان می‌دهیم که خلافت راشده که به یاری الله سبحانه وتعالی به‌زودی تأسیس خواهد شد، از کسانی انتقام خواهد گرفت که به‌خود جرئت دادند تا بر مسلمانان ظلم و ستم نموده و خون شان را بریزند.

بلی، مسلمانان چین از ظلمی‌که در حق شان صورت می‌گیرد، به‌شدت رنج می‌برند؛ مگر این موضوع باعث شده تا بیش‌تر بر دین خویش چنگ زنند و دولت چین بر تغییر رویکرد داخلی مسلمانان، هیچ تسلطی ندارد. الله سبحانه وتعالی می‌فرماید:

﴿**يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّـهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّـهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ**﴾

[توبه: 32]

***ترجمه:*** *‏آنان می‌خواهند نور الله را با(گمان‌های باطل و سخنان ناروای) دهان خود خاموش گردانند(و از گسترش اين نور كه اسلام است جلوگيری كنند)؛ ولی الله جز اين نمی‌خواهد كه نور خود را به كمال رساند(و پيوسته با پيروزی اين آئين، آن را گسترده‌تر گرداند) هرچند كه كافران دوست نداشته باشند.*

**نویسنده: دارین الشنطی**

**برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر**